

رسالهٔ پولس رسول به فلیمون

معرفی رساله

فلیمون شخص ثروتمندی بود که توسط پولس رسول به عیسی مسیح ایمان آورد و به مسیحی سرشناسی تبدیل شد. احتمالاً او عضو کلیسای کولسیه و خانهٔ او محل تجمع ایمانداران بود.

یکی از غلامان فلیمون به نام آنیسیموس از خانهٔ او فرار کرده و به روم رفته بود. در روم او به نحوی با پولس رسول که در آن زمان در زندان بود آشنا شده و به عیسی مسیح ایمان آورده بود. پولس او را دوباره نزد اربابش فلیمون می فرستد. در این نامه پولس از فلیمون می خواهد که آنیسیموس را ببخشد و او را مثل یک برادر مسیحی خود بپذیرد.

فهرست موضوعها:

مقدمه: ۱ - ۳

تعریف از فلیمون: ۴ - ۷

درخواست برای آنیسیموس: ۸ - ۲۲

خاتمه: ۲۳ - ۲۵

^۱ از طرف پولس که به خاطر عیسی مسیح زندانی است و تیموتاوس برادر ما به دوست و همکار ما فلیمون ^۲ و به کلیسایی که در خانهٔ تو تشکیل می شود و به خواهر ما «اپفیه» و همکار ما «آرخپس»، این رساله تقدیم می گردد. ^۳ از طرف پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند، فیض و سلامتی به شما باد.

محبت و ایمانِ فلیمون

^۴ هر وقت که دعا می‌کنم، نام تو را به زبان می‌آورم و پیوسته خدای خود را شکر می‌کنم، ^۵ چون از محبت تو و ایمانی که به عیسی خداوند و جمیع مقدسین داری آگاه هستم. ^۶ و دعای من این است که اتحاد ما با هم در ایمان باعث شود که دانش ما به همهٔ برکاتی که در مسیح داریم افزوده شود. ^۷ ای برادر، محبت تو برای من خوشی بزرگ و دلگرمی بسیار پدید آورده است، زیرا دل‌های مقدسین به وسیلهٔ تو، نیرویی تازه گرفته است.

تقاضای پولس برای اونیسیموس

^۸ بنابراین اگرچه من در مسیح حق دارم که جسارت کرده امر کنم که وظایف خود را انجام دهی، ^۹ اما به خاطر محبت، صلاح می‌دانم از تو درخواست کنم: من، پولس که سفیر مسیح عیسی و در حال حاضر به خاطر او زندانی هستم، ^{۱۰} از جانب فرزند خود «اونیسیموس»، که در زمان حبس خود پدر روحانی او شدم، از تو تقاضائی دارم. ^{۱۱} او زمانی برای تو مفید نبود، ولی اکنون هم برای تو و هم برای من مفید است.

^{۱۲} اکنون که او را پیش تو روانه می‌کنم، مثل این است که قلب خود را برای تو می‌فرستم. ^{۱۳} خوشحال می‌شدم که او را پیش خود نگاه دارم تا در این مدتی که به خاطر انجیل زندانی هستم، او به جای تو مرا خدمت کند. ^{۱۴} اما بهتر دانستم که بدون موافقت تو کاری نکنم تا نیکویی تو نه از روی مجبورت، بلکه داوطلبانه باشد.

^{۱۵} شاید علت جدایی موقت او از تو این بود که او را برای همیشه بازبایی! ^{۱۶} و البته نه مثل یک غلام، بلکه بالاتر از آن یعنی به عنوان یک برادر عزیز. او مخصوصاً برای من عزیز است و چقدر بیشتر باید برای تو به عنوان یک انسان و یک برادر مسیحی عزیز باشد. ^{۱۷} پس اگر مرا دوست واقعی خود می دانی، همان طوری که مرا می پذیرفتی او را بپذیر. ^{۱۸} و اگر به تو بدی کرده است یا چیزی به تو قرضدار است آن را به حساب من بگذار. ^{۱۹} من این را با دست خودم می نویسم: «من، پولس آن را به تو پس خواهم داد.» نمی گویم که تو حتی جان خود را هم به من مدیون هستی. ^{۲۰} ای برادر، چون در خداوند متحد هستیم و می خواهیم از تو بهره ای بینم، به عنوان یک برادر مسیحی به قلب من نیروی تازه ای ببخش.

^{۲۱} من با اعتماد به اطاعت تو و با دانستن اینکه آنچه من می گویم و حتی بیشتر از آن را هم انجام خواهی داد، این را به تو می نویسم. ^{۲۲} در ضمن، اطاقی برای من آماده کن، زیرا امیدوارم که خدا دعاهای شما را مستجاب کرده، مرا به شما برگرداند.

خاتمه

^{۲۳} «اِپُراس» که به خاطر مسیح عیسی با من در زندان است به تو سلام می رساند ^{۲۴} و همچنین همکاران من «مرقُس»، «اَرِسْتَرخُس»، «دیماس» و «لوقا» به تو سلام می رسانند. ^{۲۵} فیض عیسی مسیح خداوند با روح شما باد.